هو الله - ای ياران رحمانی عبدالبهآء نامه شما که به تاريخ سنبله ١٣٠٠ نمرو ١٢٣٣ مورّخ بود رسيد.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٢٠٣

### هو الله

ای ياران رحمانی عبدالبهآء نامه شما که به تاريخ سنبله ١٣٠٠ نمرو ١٢٣٣ مورّخ بود رسيد. الحمد للّه که مضمون برهان ثبوت و استقامت در امر حضرت بيچون بود. امروز ثبوت و رسوخ بر امر لازم، استقامت واجب. خدا در قرآن می‌فرمايد انّ الّذين قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا تتنزّل عليهم الملائکة و همچنين می‌فرمايد فاستقم کما امرت. هر شجری که ريشه محکم دارد از طوفان و ارياح و گِردباد استفاده نمايد زيرا ريشه محکم است و هر شجری را که ريشه سُست از ارياح خفيفه متزلزل گردد تا چه رسد به اعصار و زوابع و گردباد ريشه‌ کن زيرا امتحانات شديد است. اينست که می‌فرمايد النّاس هلکاء الّا المؤمنون و المؤمنون هلکاء الّا الممتحنون و الممتحنون هلکاء الّا المخلصون و المخلصون فی خطر عظيم. باری الحمد للّه آن ياران باوفا چون اطواد راسخه و اطوار شامخه در نهايت ثبوت و استقامت لهذا عبدالبهآء متضرّع به آستان مقدّس تا اين نفوس موفّق به خدمت امر اللّه گردند و سبب نشر نفحات و اعلآء کلمة اللّه شوند.

تلغرافی از کاشان رسيد که معارف مدرسه مبارکه وحدت بشر را بست. سبحان‌اللّه مدنيّت بر لسان می‌رانند و ريشه مدنيّت را براندازند. مدرسه بايد باز کرد نه مدارس بست. در جميع ممالک متمدّنه هر حزبی و هر ملّتی و هر مذهبی مدارس دارند و دولت و ملّت آن مملکت نهايت معاونت را مجری می‌دارند مگر ممالک متوحّشه نظير زنجيان که از کثرت درندگی کشته‌ها را می‌خورند لهذا به تمام قوّت مانع از نشر معارفند. بستن مدارس ريشه انسانيّت را قطع کند علی‌الخصوص مدرسه وحدت بشر که اساسش الفت و محبّت و وحدت بين جميع اديانست. چون دانايان اروپ و امريک و استراليا و افريک مطّلع بر اساس اين مدرسه شدند شلّيک سرور بلند نمودند ولی ايرانيان به دست خود بنيان خويش را ويران نمايند. يخرّبون بيوتهم بايديهم و ايدی المؤمنين. اگر مدرسه بهائيان در ايران بسته شد ولی مدارس متعدّده در ممالک متمدّنه در اروپ و امريک حتّی در جاپان تأسيس شد. البتّه روزنامه‌ای که در جاپان طبع می‌شود و ارسال شده بود خوانده‌ايد و فتوغراف مدرسه بهائی که در جاپان تأسيس شده ارسال می‌گردد. حضرات ايرانيان دير خبر شدند. وقتی که سلطان محمّد عثمانی فاتح قسطنطنيّه اسلامبول را محاصره نموده بود و هدف مرميّات مدافع نموده بود يکی از وزراء نزد پاطريق يعنی رئيس عموم کشيش‌های مسکونه رفت ديد که به نگاشتن پرداخته. وزير گفت سرکار رئيس عمومی روحانی چه می‌نگاری. رئيس جواب داد که کتابی ردّ بر محمّد ابن عبداللّه می‌نويسم. وزير گفت ای بی‌عقل نادان وقتی که پرچمش در حجاز بلند شد آن وقت بايد ردّ بنويسيد حال که محمّد ابن عبداللّه عليه السّلام قسطنطنيّه را به توپ بسته و عَلَمش در اروپا موج می‌زند به ردّ نوشتن مشغول شدی. ای بی‌عقل ای بيفکر پس سيلی بسيار سختی بر قفای رئيس زد و گفت پا شو برو گُم شو. حالا هم ايرانيان متعصّب می‌کوشند که مدرسه بهائيان را که اوّل خادم عالم انسانيست و اساس وحدت بشر است ببندند و حال آنکه در امريک و افريک و جاپان مدارس بهائی تأسيس می‌شود. از اينکه در ايران ببندند چه خواهد شد. ملاحظه کنيد در ايران در اطفای سراج الهی مدّتی پيش ملّت و دولت به نهايت قوّت قيام نمودند. عَلَم ظلم و عدوان برافراختند و هزاران بنيان بهائی را بنياد برانداختند و هزاران نفوس مبارکه را هدف سهام و سنان نمودند. اقلّاً بيست هزار نفر را شرحه شرحه کردند و تالان و تاراج نمودند. پدران را به ماتم پسران نشاندند پسران را بی‌پدر نمودند اطفال و زنان را بی سر و سامان کردند حتّی طفلان شيرخوار را به خنجر ظلم و ستم حنجر بريدند. چه بسياری را شکنجه نمودند و عقوبت کردند و داغ بر روی سينه نهادند و عاقبت سر بريدند. جميع اين ظلم و اعتساف از ظالمان بی‌انصاف ردع و قلع و قمع ننمود بلکه روز بروز آهنگ الهی بلندتر شد و نار محبّت اللّه شعله بيشتر زد تا به درجه‌ای رسيد که جهانگير شد و اروپ و امريک و ترک و تاجيک و آسيا و افريک مانند دو دلبر دست در آغوش يکديگر نموده و شلّيک وحدت انسانی بلند شده. نهايتش اينست که ايرانيان تبر و تيشه بر ريشه خود می‌زنند زيرا بهائيان چنان ايران را در انظار جلوه داده‌اند که امروز جمّ غفيری از اقاليم سبعه پرستش ايران می‌نمايند زيرا شمس حقيقت از آن افق طلوع نموده و وطن مقدّس حضرت بهآءاللّه است. ملاحظه کنيد که چه موهبتی حضرت يزدان در حقّ ايران و ايرانيان فرموده لکن چه فائده زيرا اگر لآلی و جواهر به دست اطفال افتد زينت تاج و افسر نشود و شايد از سنگ جفا خورد و پراکنده گردد چنانکه ملّای رومی گفته گوهری طفلی به قرصی نان دهد. باری ای احبّای الهی نظر به اعتساف و بی‌انصافی نادانان ننمائيد. ظلم را به عدل مقاومت کنيد و اعتساف را به انصاف مقابلی نمائيد و خونخواری را به مهربانی معامله نمائيد. در ترقّی ايران و ايرانيان خيرخواه باشيد و در مدنيّت عموميّه بکوشيد. اگر مدرسه بهائی بستند مدارسی بی نام و نشان باز کنيد و بر عموم ملل در بگشائيد. تا جان داريد جانفشانی نمائيد و تا توانائی داريد ترويج معارف و صنعت و فلاحت و تجارت نمائيد و اين آيه مبارکه را تلاوت نمائيد و قل لا اسألکم عليه اجراً ان اجری الّا علی اللّه ربّ العالمين و آيه ثانی ان تسألهم خرجاً فخراج ربّک خير. می‌فرمايد چون به خدمت حقّ پردازيد و سبب هدايت گرديد اجر و مزدی نطلبيد زيرا اجر و مزد شما بر خداست. باری محزون مباشيد، از دست تطاول ظالمان و اهل عدوان دلگير مگرديد. اينست شأن غافلان و اينست روش و سلوک بيخردان و انّ جندنا لهم الغالبون متيقّن و محتوم است. يريدون ان يطفئوا نور اللّه بافواههم و يأبی اللّه الّا ان يتمّ نوره ولو کره الکافرون و عليکم البهآء الأبهی عبدالبهاء عباس ٢٤ صفر ١٣٤٠.

اين نامه را جناب ميرزا علی اکبر ميلانی به خطّ خوشی مرقوم نمايند و انتشار در جميع آفاق دهيد. ع ع